

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۹- روش های سه گانه مطالعه قرآنی
زیارت اربعین با تأکید بر واژه شناسی در مثال لقاء الله

ج ۹: روش های سه گانه مطالعه قرآنی زیارت اربعین با تأکید بر واژه شناسی در مثال لقاء الله

شیوه های ۳ گانه در مطالعه قرآنی جریان اربعین (مدخل واژگان، دامنه مفهومی روایات زیارت، مطالعه تطبیقی آثار اربعین با آیات قرآن)

برای مطالعه قرآنی جریان اربعینی، به نظر می رسد که از ۳ شیوه می توان یاری گرفت:

اولا یکی از مداخل قرآنی زیارت و راهپیمایی اربعین، مدخل واژگان بوده و در این میان، واژه «لقاء» در قرآن، معادلی تقریبی بر تعبیر «زیارت» شمرده می شود. بدین صورت، با بررسی آیات «لقاء الله» در قرآن، درصدد یافتن بخش یا سیاقی از آیات مرتبط با زیارت اربعین خواهیم آمد.

ثانیا مدخل دیگر از مداخل قرآنی برای مطالعه مبحث «زیارت» و پدیده اربعین در قرآن، بررسی دامنه مفهومی «روایات زیارت» و ورود به قرآن از این مجموعه مطالعاتی است. بخشی از این مجموعه، آثار زیارت حسینی است که عبارتند از: غفران الهی و طهارت انسان همچون روز ولادت، جریان فضل و ثبت و کتابت در اعلی علیین، همچنین زیستن آخرتی و بهره لقاء الله ی در دنیا برای انسان! با این دامنه مفهومی می توان وارد آیات قرآن شد و ابعاد زیارت اربعین را مورد مطالعه قرار داد.

شیوه سوم مطالعه پدیده و جریان راهپیمایی اربعین از درون، توجه به تحولات و تاثرات جامعه اربعینی، همچنین تطبیق دامنه مفهومی تحولات و آثار با فضاهای مرتبط و عمیق قرآنی است! تا بینیم که در کجای قرآن فضای این آثار، به شکل جدی، عمیق و بهم پیوسته مطالعه شده و در معرض ما قرار گرفته است. از اولین تاثرات واقعه، حس سبکی، طهارت و فضای تزکیه برای انسان است که می بایست ملاک جستجو در قرآن قرار گیرد و سخن قرآن در این زمینه مورد بررسی واقع شود.

شیوه اول مطالعه قرآنی جریان اربعین و ذکر سوالات ۴ گانه (ورود از زاویه آیات لقاء الله)

گفتیم که بر اساس شیوه اول قرآنی که مبتنی بر جستجوی واژگانی است، معادل تقریبی تعبیر «زیارت» در روایات، واژه «لقاء» در قرآن است و با بررسی آیات «لقاء الله» در قرآن، درصدد یافتن بخش یا سیاقی از آیات مرتبط با زیارت حسینی و زیارت اربعین خواهیم آمد. اما پیش از ورود به مبحث، لازم است تا سوالات اساسی این مسیر را مشخص کرده و درصدد پاسخ به آنها برآییم؛

اولا: بر اساس قرآن آیا امکان «لقاء الله» در دنیا وجود دارد و یا لقاء الله صرفا در قیامت شکل خواهد گرفت؟

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۹- روش های سه گانه مطالعه قرآنی
زیارت اربعین با تأکید بر واژه شناسی در مثال لقاءالله

ثانیا: بر فرض مثبت بودن پاسخ سوال پیشین، کدامیک از آیات قرآنی «لقاءالله»، محتمل است که نقشی نشانگر و آیه گونه داشته و ابعاد زیارت حسینی و یا اربعینی را نشانه رفته باشد؟

ثالثا: وجه شباهت آیات مربوطه با ماجرای حسینی در چه موضوعاتی است؟

رابعا: آیا در منابع روایی نیز، به امکان وقوع «لقاءالله» در زیارت معصومین به ویژه در زیارت اباعبدالله ع اشاره شده است؟

امکان تحقق دنیایی «لقاءالله» در ۴ سیاق قرآنی، و تنزیه ارتباط احتمالی با ماجرای حسینی (همراه با جدول)

در ادامه نگاهی به آیات مربوطه می اندازیم تا زمینه پاسخ به سوالات فوق را فراهم آوریم. با تفحص در آیات قرآن دریافتیم که قریب به چهل موقعیت و سیاق از آیات قرآن، بحث «لقاء خداوند» را مطرح کرده و امکان لقاء را در قیامت، برزخ و دنیا مورد اشاره قرار می دهد. از میان آیات مذکور، ۴ سیاق مربوط به نوح ع، موسی ع، داود ع و طالوت ع به امکان احتمالی وقوع «لقاءالله» در گذشته دنیا پرداخته و ابعاد این ماجرای عظیم را مورد سخن قرار می دهد.

از میان آیات مذکور، کدامین آیه «لقاءالله» در دنیا، محتمل است که با جریان حسینی و اربعینی مرتبط بوده و ابعاد آن را مورد اشاره قرار داده باشد؟ ممکن است گفته شود: تمامی این آیات در گذشته واقع شده است! پاسخ آنکه بسیاری از آیات قرآن ترسیم فضای گذشته است اما خداوند درس هایی از آینده در درون آن قرار داده است! در صورت یافتن آیات مرتبط به ماجرای حسینی، مسیر احتمالی مطالعه قرآنی ما در این بخش به نتیجه نزدیک شده است!

با تامل در آیه «لقاءالله» که در ماجرای نوح ع مورد اشاره قرار گرفته است در می یابیم که گرچه روی سخن با «جمع» است و ماجرا «آیه» و نشانی از بعد شمرده شده است، اما دلالت قطعی بر وقوع لقاءالله «در دنیا» و در زمان نوح ع وجود ندارد؛ محتمل است که تحقق سخن نوح ع در خلال طوفان عظیم بوده باشد چنانکه محتمل است که تحقق سخن منوط به قیامت شده باشد! و بر فرض پذیرش تحقق این معنا در ایام دنیا، ماجرا واضح نبوده و نیازمند توضیحات و پیوست های مکمل خواهد بود.

در ماجرای موسی علیه السلام، او به کوه طور می رود، خدای متعال با نوری موسی ع را به خود متوجه می کند و از این ماجرا با عنوان ماجرای ملاقات و لقاء خدا یاد می کند. با تامل در آیه «لقاءالله» که در ماجرای موسی ع مورد اشاره قرار گرفته است در می یابیم که گرچه وقوع لقاءالله «در دنیا» و در زمان موسی ع قطعی و واضح است، اما به دلیل آنکه «لقاءالله» در ماجرای مربوطه «فردی و اختصاصی» بوده نمی تواند در وجه حداکثری

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۹- روش های سه گانه مطالعه قرآنی
زیارت اربعین با تأکید بر واژه شناسی در مثال لقاء الله

زیارت حسینی و اربعینی مورد استدلال قرار گیرد، ضمن آنکه اساساً از این ماجرا با عنوان «آیه» یاد نمی شود تا نشانگر ماجرای مهم تر از خود و در زمانی دیگر باشد! در ماجرای داوود ع نیز چنین است.

آخرین مجموعه از این آیات، مربوط به طالوت ع بوده و چنانکه در بخش بعدی خواهد آمد، امکان «لقاء الله» در «دنیا»، در قالب ماجرای «جمعی» و با رویکرد «آیه» گونه در این آیات قابل رویت است. اگر در میان آیات لقاء الله در درون دنیا، سیاقی از آیات، کمک کار ما در جریان اربعینی باشد آیات مربوط به طالوت ع خواهد بود و اگر هم نباشد که دیگر هیچ، از این مدخل مطالعاتی عبور خواهیم نمود.

ماجرای لقاء الله خوبان	فردی یا جمعی	قطعیت وقوع لقاء در دنیا	آیه بودن [امکان تحقق بعدی]	توضیحات
نوح ع	جمعی	غیر قطعی	آیه	
موسی ع	فردی	قطعی	---	
داود ع				
طالوت	جمعی	قطعی	آیه	

بررسی آیات «لقاء الله» در ماجرای طالوت، و ذکر آزمون های ۴ گانه در میان همراهان

در ادامه سیاق آیات مربوط به طالوت را مورد مطالعه قرار داده و مباحث ضروری آن را به ایجاز مورد سخن قرار می دهیم:

[بقره ۲۴۶] ص ۴۰ - أَلَمْ تَرَ إِلَى الْإِسْرَائِيلَ إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ائْتِنَا مَلَكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

آیا از [حال] سران بنی اسرائیل پس از موسی خبر نیافتی آنگاه که به پیامبری از خود گفتند: پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم. [آن پیامبر] گفت: اگر جنگیدن بر شما مقرر گردد، چه بسا پیکار نکنید. گفتند: چرا در راه خدا نجنگیم با آنکه ما از دیارمان و از [نزد] فرزندانمان بیرون رانده شده ایم. پس هنگامی که جنگ بر آنان مقرر شد، جز شماری اندک از آنان، [همگی] پشت کردند، و خداوند به [حال] ستمکاران داناست.

ندیدی یک گروهی از بزرگان بنی اسرائیل را که بعد از موسی ع، نزد نبی شان آمدند و گفتند برای ما یک پادشاهی منصوب کن و نشان بده تا در ذیل فرماندهی این پادشاه بتوانیم در راه خدا مجاهده داشته باشیم و قتال کنیم؟ آن پیامبر گفت: شما مطمئن هستید اگر برای شما دستور قتال بیاید همراهی می کنید و سر باز نمی زنید؟! گفتند چطور می شود از این ارزش الهی در راه خدا سرپیچی کنیم؟ در حالی که از خانه هایمان، از شهرمان و از پیش فرزندانمان ما را اخراج کرده اند!

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۹- روش های سه گانه مطالعه قرآنی
زیارت اربعین با تأکید بر واژه شناسی در مثال لقاء الله

بر اساس آیه مزبور، خدای متعال قبل از اینکه طالوت را به پادشاهی آنها قرار بدهد، مدعی دوم آنها را به چالش کشید! آنها در آغاز گفتند: پادشاهی به ما معرفی کن که در راه او قتال کنیم! قبل از اینکه خداوند بخواهد پادشاهی برایشان قرار دهد، در صحنه قتال آنها را آزمود. زمانی که حکم قتال بر آنها عرضه شد، جز اندکی رو برگردانده و نمره نیاوردند. این فعل ظلم بود، خدا می دانست چه اتفاقی در حال وقوع است و ظالمین را می شناسد.

[بقره ۲۴۷] ص ۴۰ - وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يَأْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُوْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

و پیامبرشان به آنان گفت: در حقیقت، خداوند، طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است. گفتند: چگونه او را بر ما پادشاهی باشد با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و به او از حیث مال، گشایشی داده نشده است؟ پیامبرشان گفت: در حقیقت، خدا او را بر شما برتری داده، و او را در دانش و [نیروی] بدنی بر شما برتری بخشیده است، و خداوند پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می دهد، و خدا گشایشگر داناست.

بعد از آزمون قتال، نبی شان به آنها گفت: خدای متعال پادشاهی را به نام طالوت برای شما قرار داده است. این هم یک آزمون بود. آنها گفتند طالوت چه گونه پادشاه ما و حاکم بر ما است؟ ما به پادشاهی محق تر هستیم تا او! نه پول دارد و نه وسعت مالی! چگونه می خواهد حکومت را بگرداند؟ تصویر آنها از پادشاه خدایی که می خواستند در کنار او جهاد بکنند، تصویری مغشوش بود. فکر می کردند این پادشاه باید سعه مالی زیادی داشته باشد.

پیامبر فرمود خدای متعال او را برگزیده است. این مهم است. ثانیاً خدای متعال توسعه علمی به او داده، علم او را زیاد کرده و توان جسمی او را افزایش داده است. بن مایه های ملک، مبعوث شدن از جانب خدا، دانش الهی و سپس قدرت جسمانی است. خدا به هر کس که بخواهد ملک می دهد و او را توسعه می دهد. او چنین است. نگران چه هستید؟ جالب آنکه سعه مالی در این آیات مورد توجه نیست. بر این اساس، کسی که تایید از جانب خدا، دانش الهی و جسم قدرتمند داشته باشد، پول هم نداشته باشد مسیر برایش هموار خواهد شد.

[بقره ۲۴۸] ص ۴۰ - وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيَّهُمْ إِنَّ آيَةَ مَلِكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

و پیامبرشان بدیشان گفت: در حقیقت، نشانه پادشاهی او این است که آن صندوق [عهد] که در آن آرامش خاطری از جانب پروردگارتان، و بازمانده ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون [در آن] بر

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۹- روش های سه گانه مطالعه قرآنی
زیارت اربعین با تأکید بر واژه شناسی در مثال لقاء الله

جای نهاده‌اند - در حالی که فرشتگان آن را حمل می‌کنند - به سوی شما خواهد آمد. مسلماً اگر مؤمن باشید، برای شما در این [رویداد] نشانه‌ای است.

می‌دانید چطور باید مطمئن شد که این فرد، الهی و ملک است؟ یک صندوقی می‌آورد؛ در این صندوق، سکینه و آرامشی از جانب پروردگار است. معجزه ای الهی است و یادگارهایی از ماترک آل موسی و آل هارون که به دست ملائک حمل می‌شود. این صندوق عجیب و آن چیز که درونش هست، آن چیز که پیرامونش هست و تازه آنچه طالوت می‌آورد، نشانه است! نشانه تا ایمان شما روشن بشود. گرچه این آیات جای بحث بسیاری دارد اما نمی‌خواهیم بیش از این توضیح دهیم. فضای داستان را به اختصار مطرح می‌کنیم تا به اصل بحث وارد شویم.

[بقره ۲۴۹] ص ۴۱ - فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

و چون طالوت با لشکریان [خود] بیرون شد، گفت: «خداوند شما را به وسیله رودخانه‌ای خواهد آزمود. پس هر کس از آن بنوشد از [پیروان] من نیست، و هر کس از آن نخورد، قطعاً او از [پیروان] من است، مگر کسی که با دستش کفی بگیرد. پس [همگی] جز اندکی از آنها، از آن نوشیدند. و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن [نهر] گذشتند، گفتند: امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیان‌ش نیست. کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است.

مردم پس از دیدن مجموعه‌ای از نشانه‌های الهی، موقتاً آرام شدند و جناب طالوت را به عنوان پادشاه پذیرفتند. تا آنکه طبق مدعایی که خود داشتند خدای متعال آزمون سوم را پیش پایشان قرار داد. اصل بحث در اینجا است. خدای متعال آزمون ابتلای به نهر را پیش پای یاران طالوت نهاد. طالوت فرمود: خداوند شما را به نهر آب آزمایش می‌کند. قبل از وقوع آزمون هشدار داد که اگر کسی از این آب بنوشد از من نیست. اگر کسی از این آب ننوشد جز به اندک - مثلاً یک پیمانۀ دستش را زیر آب بگیرد - او از من است! یک آزمون ساده؛ تشنه می‌شوید اما نباید از آب بخورید! برآستی چرا آزمون مومنان، آزمون تشنگی و نوشیدن و نوشیدن آب قرار گرفت؟! ممکن است گفته شود این که آزمون نیست! اگر این ماجرا آیه باشد و بتواند اتصالی به آینده داشته باشد، حیرت آور خواهد بود.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۹- روش های سه گانه مطالعه قرآنی
زیارت اربعین با تأکید بر واژه شناسی در مثال لقاء الله

جز اندکی همه از آب خوردند؛ اکثریت از آزمون رد شدند و از زمره یاران طالوت کنار گذاشته شدند. وقتی طالوت و کسانی که مومن به او باقی مانده بودند از آن نهر گذشتند، همان ها که «منی» شده بودند و جزء یاران خاص طالوت بودند، پس از عبور از نهر وارد آزمون سخت چهارم شدند. گفتند: جناب طالوت! ما نمی‌توانیم با جالوت و جنودش بجنگیم. جریان طالوت یک جریان قدرتمند مادی همراه با مقابله با جادوگری بوده است و اینک قصد تفصیل آن را نداریم.

در آزمون چهارم و در مواجهه با جالوت، در بین افرادی که حاضر بودند تشکیکی شکل گرفت. دسته مومنین احساس ضعف نمودند، هنوز مواجه نشده قلبشان لرزید و البته دسته‌ای هم قلبشان مستحکم بود. آنها که قلبشان نلرزید کسانی بودند که ظن به ملاقات خداوند وجودشان را فراگرفته بود. آنها گفتند: چه بسا گروه اندکی که بر کثیر پیروز بشوند. این جریان، صبر می‌طلبد و خدا با صابران است.

[بقره ۲۵۰] ص ۴۱ - وَ لَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا اُفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ اُقْدَامَنَا وَ اَنْصُرْنَا عَلٰى
الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و هنگامی که با جالوت و سپاهیان‌ش روبرو شدند، گفتند: پروردگارا، بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز، و گام‌های ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.

آن دسته که در این فضا محکم بودند، زمانی که در مقابل جالوت و سپاهش قرار گرفتند می‌دانستند که ماجرا فرسایشی بوده و همراه تشکیکات اعتقادی و عملی فراوان خواهد بود. لذا گفتند: خدایا به ما صبر بده. مسیر سخت است اقداممان را تثبیت کن. خدایا ما را بر کافران نصرت کن.

[بقره ۲۵۱] ص ۴۱ - فَهَزَمُوهُمْ بِاِذْنِ اللّٰهِ وَ قَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَ اَتَاهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ
وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللّٰهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْاَرْضُ وَ لَكِنَّ اللّٰهَ ذُو فَضْلٍ عَلٰى الْعَالَمِينَ

پس آنان را به اذن خدا شکست دادند، و داوود، جالوت را کشت، و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داشت، و از آنچه می‌خواست به او آموخت. و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید. ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل دارد.

[بقره ۲۵۲] ص ۴۱ - تِلْكَ اٰيَاتُ اللّٰهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

این [ها] آیات خداست که ما آن را بحق بر تو می‌خوانیم، و به راستی تو از جمله پیامبرانی.

و ادامه ماجرا که عطای ملک است و حکمت است و علم، همچنین آیه بودن بخش های مختلف این داستان حقیقی قرآن!

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۹- روش های سه گانه مطالعه قرآنی
زیارت اربعین با تأکید بر واژه شناسی در مثال لقاء الله

آزمون چهارم در همراهان طالوت و مشخص شدن اهل «ظن به لقاء الله» در دنیا

بر اساس آنچه گذشت در این داستان خدای متعال حداقل چهار بار آزمون و غربالگری قرار می‌دهد! آن چه اینک مدنظر ما قرار گرفته است آزمون چهارم است:

قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ

کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند.

معمولا در تعبیر فارسی، کلمه «ظن» به شکلی صحیح مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. «ظن و گمان» تعبیر غلط و رایجی است که می‌بایست به شکل صحیح «شک و گمان» مورد استفاده قرار گیرد. وقتی که می‌گوییم ظن و گمان، بار محتوایی هر دو تعبیر یکسان است، حال آنکه بار محتوایی «ظن» نزدیک به یقین است و متفاوت از گمان است! وقتی در فضای تردید باشیم حتی تردید ۵۰-۵۰، تعبیر «ظن» مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. وقتی از این تعبیر استفاده می‌کنیم که ماجرا حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد به اتفاق و وقوع نزدیک است. بر این اساس، اهل ظن به لقاء الله، پیروزی صحنه را قطعی و قریب الوقوع می‌شمردند.

دلایل ۵ گانه در تشابه عرصه «لقاء الله» در ماجرای طالوت ع با ماجرای حسینی (همراه با جدول)

بر اساس پنج دلیل، محتمل است که «لقاء الله» مطرح در ماجرای طالوت، لقاء الله مرتبط با ماجرای حسینی شمرده شود! اولاً به دلیل «ماجرای جمعی»، ثانیاً فضای تصویری آیه نسبت به «وقوع ماجرا در دنیا»، ثالثاً فضای «آیه بودن» و نشانه بودن ماجرا نسبت به آینده، رابعاً فضای «آزمون عطش» و تشنگی، خامساً فضای «مواجهه با قدرت شیطانی»، طاغوتی و عظیم ...

در «جمعی بودن» ماجرا که تردیدی نیست. با «تصویر کردن» فضای آیه مذکور نیز، ظن غالب بر آن خواهد بود که ماجرای ملاقات خدا مربوط به «ماجرایی در دنیا» است و نه قیامت! بحث جنگ است و نبرد با جالوت! کسانی که صحنه را کاملاً خدایی دانسته و محضیت صحنه مقاتله را بسیار احساس می‌کردند، چنین می‌گفتند که نگران نباشید، خدا با ما است! چون خدا با ما است، کنار دست ما است و او را ملاقات می‌کنیم، گروه اندکمان بر گروه کثیر پیروز خواهد شد.

«آیه بودن» و نشانه بودن بخش‌های مختلف ماجرا نسبت به آینده نیز در تعبیر «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ» مورد اشاره قرار گرفته است. در این مجموعه از سیاق قرآنی، ماجرای که تحقق عظیم تر آن در آینده و درون وضعیت دنیا خواهد بود، در قالب ماجرای که آیه و نشانه الهی است مورد مطالعه و عبرت قرار گرفته است.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۹- روش های سه گانه مطالعه قرآنی
زیارت اربعین با تأکید بر واژه شناسی در مثال لقاء الله

گره خوردن ماجرا با صحنه ای عظیم در آینده که از مختصات آن، «عطش» و «مواجهه با دشمن غدار قدرتمند» است دلایلی دیگر بر تحقق این مدعا است! این نوع از ادله، ذهن ما را به این سو متمایل می‌سازد که جریان لقاءالله در این آیات، نشانه و آیه‌ای از جریان لقاءالله در زمان حسینی - چه در صدر اسلام و چه دوران رجعت ها- باشد. و اگر چنین باشد، آن گاه افرادی که با فضای حسینی پیوند می‌خورند، «لقاءالله» در دنیا برایشان ممکن بوده و صحنه پیوند ایشان با جریان حسینی، صحنه «لقاءالله» در دنیا خواهد بود.

شباهت ۲ ماجرا	فردی یا جمعی	قطعیت وقوع لقاء در دنیا	آیه بودن [امکان تحقق بعدی]	ماجرای عطش	مواجهه با طاغوت زمان
امام حسین ع	جمعی	قطعی	آیه	قطعی	قطعی
طلوت	جمعی	قطعی	آیه	قطعی	قطعی

از «لقاء الله» حسینیان تا «لقاء الله» پیروان حسین ع در متون روایی

بر اساس مطالعه موضوع «لقاء الله در دنیا» که نهایتاً در آیات نوح ع، موسی ع، داوود ع، و طلوت و لشکریان واقع شده است، دریافتیم که ماجرای طلوت در گذشته تاریخ، «آیه ای» از ماجرای حسینیان بوده، و «لقاء الله» ایشان در زمان خود نیز «آیه ای» از «لقاء الله» حسینیان تلقی می‌گردد. چنانکه سالار شهیدان در آغاز حرکت خود از مکه «توطن در سرزمین لقاء الله» را ثمره این سفر عظیم برشمردند.

بر اساس منظومه معارف دینی، گرچه از توفیق حضور در دوران طلوت، همچنین دوران سالار شهیدان امام حسین ع محروم بوده ایم، لیکن پیوند با ماجرای فرازمان و فرامکان حسینی، امکان «لقاء الله» را برای ما به ارمغان خواهد آورد.

با جستجو در منابع روایی دریافتیم که امکان وقوع «لقاء الله» به شکل عمومی در دنیا - که مورد اشاره روایات معصومین قرار گرفته است - تنها در هنگام زیارت مزار ابا عبدالله الحسین ع صورت خواهد پذیرفت. به تعبیر امام صادق ع: زیارت حسین کنید - و به تعبیر دیگر، زیارت قبر حسین - که زائر او، نه فقط زیارت او که زیارت خدا می‌کند و در دنیا، لقاء خدا دارد.

والسلام علی من التبع الهدی